

وادی سرگردانی؛

بررسی روایت عهد عتیق و قرآن کریم درباره وادی تیه

علی اسدی*

چکیده

بنی اسرائیل با فرمان خداوند و با راهنمایی حضرت موسی علیه السلام از مصر خارج شده و در نزدیکی مرزهای سرزمین موعود (بیت المقدس) اردو می‌زنند. آنان با آگاهی از نیرومندی ساکنان بیت المقدس، فرمان صریح خداوند برای ورود به آن سرزمین و نبرد با ساکنان آنجا را زیر پا می‌گذارند. خداوند به کیفر این مخالفت، آنها را به مدت چهار سال از ورود به سرزمین آمال و آرزوهایشان محروم می‌سازد. بنی اسرائیل این مدت را در تلاشی ناموفق برای ورود به بیت المقدس در بیابان‌های اطراف (وادی تیه)، سرگردان و با اقوام و ساکنان مناطق هم‌جوار فلسطین درگیر می‌شوند. در این مدت، حوادث زیادی برای آنان رخ می‌دهد. در این نوشتار، دیدگاه‌های مختلف مفسران درباره چگونگی عینیت یافتن تحریم الهی و تحلیل چرایی آن و نیز حوادث پیش‌آمد در وادی تیه، با تأکید بر مشترکات موجود میان گزارش عهد عتیق، قرآن کریم و آراء و نظرات مفسران بررسی شده است. واژگان کلیدی: تیه، بنی اسرائیل، من و سلوی، سرگردانی، صحرای سینا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی AliAsadiZanjani@yahoo.com

دریافت: ۹۰/۴/۲ - پذیرش: ۹۰/۶/۱۷

مقدمه

قرآن کریم در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خویش، بیش از هر قوم دیگری به تاریخ بنی‌اسرائیل و فرازهای عبرت‌انگیز آن توجه نشان داده است. گزارش بسیار کلی درباره سرگردانی چهل ساله بنی‌اسرائیل در وادی تیه، از این نمونه‌هاست. گزیده و اجمال‌گویی قرآن کریم در این گزارش از یک سو، و بی‌اطلاعی غالب مفسران مسلمان از تاریخ یهود و بی‌اعتنایی به آن از سوی دیگر، زمینه‌ساز پیدایش تفاسیری غیرواقع‌گرایانه در این زمینه شده است. بازشناسی درست این دوره از تاریخ بنی‌اسرائیل و ارائه تحلیلی روشن و واقع‌گرایانه از آن، زمینه را برای فهم درست آیات مربوط و پند آموزی لازم از آن فراهم ساخته و اهمیت این پژوهش را می‌رساند؛ به ویژه اینکه در این باره پژوهشی مستقل انجام نگرفته است.

مفهوم‌شناسی

فرهنگ نویسان عربی، «تیه» را در اصل، مصدر «تاهَ یَتیه»^۱ به معنای سرگشته و سرگردان به راهی رفتن دانسته^۲ و برخی گمراه شدن در پی آن را نیز افزوده‌اند.^۳ معنای سرگردانی و گمراهی و حرکت با حالت سرگشته و سرگردان در پی گم کردن راه^۴ هم گفته شده است.^۵ بر اساس معانی یادشده و به عنوان اسم صفت^۶، بیابانی که به سبب نبود نشان راه، آدمی در آن گم و سرگردان شود نیز «تیه» خوانده شده است.^۸ سرانجام، در کاربردی دیگر و با اثرپذیری از قرآن کریم (مائده: ۲۶)، تیه به عنوان اسم خاص^۹ به بیابانی گفته می‌شود که بنی‌اسرائیل در پی خروج از مصر و بر اثر نافرمانی خداوند، چهل سال در آن سرگردان و از ورود به سرزمین مقدس محروم شدند.^{۱۰}

بیابان موسوم به «تیه» در شبه جزیره سینا قرار دارد. جغرافی‌دانان عرب، آن را صحرای بنی‌اسرائیل نیز خوانده‌اند.^{۱۱} بیابان یادشده در میان ایله، مصر، دریای قُلْزم (سرخ) و کوه‌های سرات شام قرار دارد. گستره آن از اطراف به جفار، کوه طور و سرزمین فلسطین منتهی می‌شود.^{۱۲} این وادی، جنوبی‌ترین بخش فلسطین^{۱۳} و بیشتر آن، شنزار و فاقد پوشش گیاهی است.^{۱۴} مساحت آن را به ابعاد ۴۰ فرسنگ در ۴۰ فرسنگ گفته‌اند.^{۱۵}

تیه در تورات

راز محرومیت چهل ساله بنی‌اسرائیل از ورود به کنعان، سرگردانی آنان در بیابان و انبوهی از رخدادهای تلخ و شیرین این سال‌ها به شکل گسترده‌ای در عهد عتیق گزارش شده است.

«سفر اعداد»، که بخش عمده آن روایتگر این دوره از تاریخ بنی اسرائیل است، در تورات عبری، با نام «در بیابان» خوانده می‌شده است؛^{۱۶} چرا که بخش عمده گزارش‌های آن به شرح تاریخ و سرگذشت بنی اسرائیل در دوران سرگردانی آنان در این بیابان پرداخته است. بنا به روایت تورات، بنی اسرائیل در پی خروج از مصر (۱۴۴۶ ق. م.)، از دریای سرخ عبور کرده و مناطقی چون کوه طور (سینا)، بخش‌های گوناگون صحرای سینا همانند بیابان‌های سین، فاران و توقفگاه‌های متعدد آن را پشت سر گذاشتند. آنها در ادامه مسیر خود به سوی سرزمین مقدس، به بیابانی به نام «قادش برنیع» می‌رسند که نزدیک‌ترین بخش صحرای سینا به مرزهای جنوبی کنعان و پس از کوه سینا، مشهورترین مکان در تاریخ سرگردانی آنان است. بیشترین سال‌های سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل در این منطقه سپری شده است.^{۱۷} اینجاست که موسی علیه السلام دوازده نفر از سران قبایل نقبای بنی اسرائیل را برای بررسی شرایط جغرافیایی، اقتصادی، امکانات و وضعیت دفاعی سرزمین کنعان به سمت مرزهای جنوبی آن روانه می‌کند (۱۴۴۳ ق. م.). آنان پس از چهل روز، تجسس و تفحص بازگشته، از حاصل‌خیزی و جنگجویان غول‌پیکر و نیرومند آن سرزمین و حصارهای دفاعی بلند و مستحکم شهرها خبر می‌دهند. از این افراد، تنها دو نفر به نام‌های یوشع بن نون و کالیب *ابن یفنه* با اعتماد به خدا و یادآوری امدادها و وعده‌های الهی، بنی اسرائیل را برای فتح سرزمین موعود ترغیب می‌کنند؛ اما ده نفر دیگر که با دیدن آن شرایط به هراس افتاده بودند، با سخنان خود و شکست‌ناپذیر خواندن دشمن، بنی اسرائیل را نیز دچار رعب و وحشت می‌کنند؛ از این‌رو آنان کشته شدن مردان و اسارت زنان و فرزندان قوم را نتیجه محتوم رویارویی با چنین دشمنی خوانده، از فرمان خدا مبنی بر جنگ با آنان سر باز می‌زنند. تلاش موسی علیه السلام هارون علیه السلام، یوشع و کالیب نیز در این باره بی‌نتیجه مانده و بنی اسرائیل با ابراز ندامت از ترک مصر و با طرح ایده انتخاب رهبری جدید به فکر بازگشت دوباره به مصر افتادند. به کیفر این بی‌ایمانی و سرکشی آشکار که به رغم مشاهده معجزات و امدادهای فراوان الهی صورت می‌گرفت، خداوند از محرومیت چهل ساله قوم از ورود به سرزمین موعود و مرگ همه افراد بیست ساله و بالاتر از بیست سال، به جز یوشع و کالیب، در طی این مدت خبر می‌دهد. بنی اسرائیل با آگاهی از این کیفر الهی و نادم از نافرمانی خویش، برای جنگ اعلام آمادگی می‌کنند. آنان به رغم نهی موسی علیه السلام و در تلاشی ناموفق برای ورود به سرزمین

مقدس با عمالقه و کنعانی‌ها درگیر و از سوی آنان مورد یورش و تعقیب قرار می‌گیرند.^{۱۸} آنان همچنین در ادامه تلاش برای ورود به کنعان، با ساکنان «عراد» در جنوب اورشلیم، که مانع عبور بنی‌اسرائیل از سرزمین خویش شدند، درگیر شده و ناگزیر به سمت جنوب بحرالیمیت تغییر مسیر می‌دهند تا از راه کشور «آدوم» (بخشی از اردن کنونی)، وارد سرزمین موعود شوند. پادشاه «آدوم»، از ورود آنان ممانعت می‌کند و بنی‌اسرائیل به ناچار کشور یادشده را دور زده و در موازات بحرالیمیت به سوی سرزمین «عمون» واقع در مرز شمالی اردن با سوریه حرکت می‌کنند. پیمودن این مسیر طولانی و سختی‌های راه، آنان را به شدت دچار فرسایش می‌کند. قوم سرگردان پس از شکست «اموری‌ها» و «عمونی‌ها» و نیز تصرف سرزمین «باشان»، واقع در مرزهای جنوبی سوریه، اردن و شرق رود اردن، در دشت‌های موآب (کرانه‌های غربی و شرقی رود اردن)، روبه‌روی شهر اریحا اردو می‌زنند.^{۱۹} تلاش پادشاه موآب برای شکست بنی‌اسرائیل به کمک نفرین بلعم باعورا، انحراف شمار زیادی از قوم به وسیله زنان و دختران مدیان، بت پرستی و خوردن از گوشت قربانیان بت به دعوت آنها و در نتیجه مرگ شمار انبوهی از بنی‌اسرائیل بر اثر بیماری وبا و به کیفر این گناهان در دشت‌های یادشده رخ می‌دهد (۱۴۰۷ ق. م.).

در اینجا سرگردانی قوم بنی‌اسرائیل به پایان می‌رسد و نسل جدید، که خداوند در مدت سرگردانی، حضور خود را در آتش و ابر بر آنان آشکار می‌ساخت و بر همراهی و یاری آنان تأکید می‌کرد، پس از مرگ موسی علیه السلام و به فرماندهی یوشع از آنجا وارد سرزمین موعود می‌شوند (۱۴۰۶ ق.).^{۲۰}

در دوره چهل ساله سرگردانی، حوادث تلخ و شیرین و جنگ و گریزهای فراوانی رخ می‌دهد. خداوند به تدریج آموزه‌های اعتقادی و احکام عملی را برای بنی‌اسرائیل می‌فرستد.^{۲۱} میزان طاعت و بندگی آنان بارها آزموده می‌شود و خداوند به کرات عهد خویش با ابراهیم و فرزندان او علیهم السلام را به آنان یادآوری می‌کند.^{۲۲} رخدادهای مهمی چون نزول من و سلوی^{۲۳}، شکافتن چشمه آب از سنگ با عصای موسی^{۲۴}، آمدن ابر آتشین برای هدایت قوم،^{۲۵} نزول عذاب‌های متعدد^{۲۶}، مرگ مریم^{۲۷} (خواهر موسی)، هارون و موسی علیهم السلام^{۲۸} موسی علیه السلام^{۲۸} همه در این دوره تاریخی رخ داده است.

تیه در قرآن کریم

واژه «تیه» به معنای بیابانی که بنی‌اسرائیل در آن سرگردان شدند در قرآن نیامده، بلکه از

تعبیر «یَتِيهونَ فِي الْأَرْضِ» (مائده: ۲۶) گرفته شده است. مورخان مسلمان^{۲۹} و مفسران شیعه^{۳۰} و سنی،^{۳۱} به تبع مفسران نخستین، سایه افکندن ابر بر سر بنی اسرائیل، نزول مَنْ و سلوی و پیدایش چشمه‌های دوازده‌گانه از سنگ برای آنان (بقره: ۵۷، ۶۰؛ اعراف: ۱۶۰؛ طه: ۸۰)، همچنين مرگ موسی و هارون^{۳۲} را در بیابان یادشده دانسته‌اند.

گزارش قرآن کریم درباره سبب سرگردانی بنی اسرائیل و مدت زمان چهل ساله آن، هماهنگ با گزارش تورات است. هنگامی که آنان به مرزهای فلسطین رسیدند^{۳۲}، به تصریح قرآن، فرمان یافتند که با ورود به سرزمین مقدس با ساکنان آن به نبرد پرداخته، آنجا را برای سکونت خویش تصرف کنند؛ اما آنان به بهانه نیرومندی و تنومندی ساکنان شهر، موسوم به عمالقه و به رغم هشدار صریح موسی^{۳۳}، فرمان الاهی آن حضرت را نادیده گرفته و از ورود به شهر و جنگ با کافران شدیداً امتناع کردند. آنان ورود به سرزمین مقدس را به خروج قوم یادشده مشروط کرده و از موسی^{۳۴} خواستند تا خود با خدای خویش به جنگ آنان برود. (مائده: ۲۱ - ۲۴). بنی اسرائیل به کیفر این گناه و نافرمانی صریح که اساس دعوت موسی^{۳۵} را به خطر می‌افکند،^{۳۳} و با نفرین آن حضرت چهل سال از ورود به سرزمین مقدس و سکونت در آن محروم و به عنوان عذاب در بیابان‌ها سرگردان شدند.^{۳۴} «قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مُخْرَمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده: ۲۵ - ۲۶). بخش پایانی آیه ۲۶ سوره مائده نشان می‌دهد که حضرت موسی^{۳۵}، با آگاهی از محرومیت چهل ساله قوم بنی اسرائیل از ورود به سرزمین مقدس، از نفرین خود نادم و اندوهگین شد؛ از این رو، خداوند وی را دلداری داد، بنی اسرائیل را به سبب فسق و نافرمانی آنان درخور چنین مجازاتی می‌داند.^{۳۵}

از گوساله‌پرستی بنی اسرائیل به مدت چهل روز^{۳۶} و نفرین بلعم باعورا^{۳۷} نیز به عنوان سبب گرفتاری در تیه یادشده است. بنا بر دیدگاه نخست، بنی اسرائیل در برابر هر روز گوساله‌پرستی به کیفر یک سال سرگردانی در تیه دچار آمدند. این دو دیدگاه، با آیات مربوط و دیدگاه اکثر قریب به اتفاق مفسران سازگار نیست. قرآن کریم به صراحت نافرمانی بنی اسرائیل را سبب محرومیت آنان معرفی می‌کند. محرومیت چهل ساله از ورود به سرزمین مقدس، کیفر بسیار بزرگی بود. این باید پیامد گناهی بس بزرگ‌تر بوده باشد. آنان سال‌های پی‌درپی در آرزوی بازگشت به سرزمین مقدس زندگی کرده و در جریان رویارویی با فرعون بارها و بارها امدادهای الاهی و آیات و نشانه‌های حقانیت موسی^{۳۸} و دعوت آن حضرت

را به چشم خود دیده بودند. هنوز مدت زیادی از عبور اعجازین آنها از دریا و غرق شدن فرعون و فرعونیان نگذشته بود؛ ولی به رغم همه این مسائل، همچنان بهانه‌جویی‌ها، نافرمانی‌ها و سست‌ایمانی بنی اسرائیل ادامه داشت؛ از این‌رو، خداوند آنان را از رسیدن به بزرگ‌ترین آمال و آرزویشان، که زندگی در سرزمین مقدس بود، محروم ساخت.

ابن خلدون، که با نگاه جامعه‌شناسانه به این دوره از حیات اجتماعی بنی اسرائیل می‌نگرد، درباره حکمت سرگردانی و محرومیت چهل‌ساله ورود به سرزمین مقدس، دیدگاهی درخور توجه و پذیرفتنی دارد. وی در تحلیل کارکرد اجتماعی عصیبت، به نقش کلیدی آن در همبستگی اجتماعی و ایجاد انگیزه دفاع و حمایت از جامعه و مقاومت در راه حفظ حیات آن اشاره کرده و معتقد است که تحقیر و خوار ساختن یک قوم و سرسپردگی و وابستگی آنان از زمینه‌های ضعف و زوال عصیبت و در نتیجه اضمحلال قدرت و حاکمیت آنان است. بر همین اساس معتقد است که بنی اسرائیل از یک سو، به سبب سال‌ها بردگی، تحقیر شدن و استثمار، عصیبت قومی خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر، هنوز ایمان مذهبی کاملی نداشتند. در نتیجه از دفاع، پایداری و نبرد برای حفظ حیات اجتماعی و مستقل خود و تصرف سرزمین موعود ناتوان بودند. از این‌رو، حکمت خداوند می‌طلبید که نسل خو گرفته با خواری، قهر، غلبه و بردگی از بین برود و نسل جدیدی بدون داشتن خلق و خوی نیاکان و بر اساس باورهای محکم دینی، بتوانند شالوده و بنیان جامعه‌ای جدید، مستقل و مقتدر را پی‌ریزی کنند.^{۳۸}

تکوینی یا تشریحی بودن تحریم

قرآن کریم درباره مسائلی چون تشریحی یا تکوینی بودن تحریم ورود به سرزمین مقدس، چگونگی اعمال تحریم تکوینی و عدم امکان برون رفت از بیابان، مسافت طی شده در طول چهل سال و حوادث رخ داده در آن، گزارش صریحی به دست نداده است؛ اما مفسران به موارد یادشده پرداخته‌اند که دیدگاه آنان، گاه متفاوت و گاهی نیز هماهنگ با ظاهر آیات است. بیشتر مفسران^{۳۹} شیعه^{۴۰} و سنی^{۴۱} هماهنگ با ظاهر آیه (مائده: ۵)، تحریم یادشده را تکوینی خوانده‌اند. بر این اساس، عدم راهیابی بنی اسرائیل به سرزمین مقدس و سرگشتگی آنان در بیابان از سر اراده و اختیار نبوده است. آنان به مدت چهل سال بدون هیچ توفیقی در جست‌وجوی راه برون رفت از صحرا بوده‌اند.^{۴۲} در بیان چگونگی این موضوع و اینکه

چگونه از میان آن همه انسان، کسی در مدت چهل سال نتوانست راه بیرون رفتن از بیابان را پیدا کند، مفسران دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. شماری از مفسران،^{۴۳} به پیروی از مفسران نخستینی چون مجاهد، حسن و ابوعلی جبائی^{۴۴} گفته‌اند: بنی اسرائیل در این مدت، هر روز پس از پیمودن مسافتی، شب را که به صبح می‌رساندند، بامدادان خود را در همان نقطه آغاز حرکت می‌یافتند. در تبیین این پدیده، شماری از مفسران^{۴۵} و برخی احادیث اسلامی^{۴۶} به چرخش زمین در زیر پای بنی اسرائیل به فرمان خداوند اشاره کرده‌اند؛ همچنین آن را به سبب از بین رفتن علایم و نشانه‌های راه یا عدم تشخیص بخش‌های گوناگون بیابان از یکدیگر، به سبب همانند بودن نیز امکان‌پذیر خوانده‌اند.^{۴۷} در هر صورت پدیده یادشده را امری خارق عادت، فراطبیعی و متأثر از اراده خاص خداوند دانسته‌اند؛ هرچند برخی از مفسران در تفسیر تحریم تکوینی، آوارگی قوم در بیابانی محدود و چرخش زمین زیر پای آنان را به دلیل عدم منافات آن با قرآن و نیز آکنده بودن تاریخ بنی اسرائیل از حوادث شگفت و خارق عادت از این دست، قابل پذیرش دانسته‌اند؛^{۴۸} اما در مقابل، مؤید قرآنی نیز برای آن نمی‌توان یافت. قرآن فقط به سرگردانی چهل ساله آنان اشاره می‌کند؛ به ویژه اینکه ورود به سرزمین مقدس و شناسایی آن از سوی فرستادگان موسی علیه السلام و در نتیجه آگاهی بنی اسرائیل از شرایط ساکنان آن، از آیات قرآن قابل برداشت است (مائده: ۲۲ - ۲۴)؛ از این رو به نظر می‌رسد سرگردانی قوم و عدم راهیابی آنان به سرزمین مقدس، به سبب ممانعت اقوام ساکن در سرزمین‌های مرزی فلسطین بوده و تحریم تکوینی خداوند به این شکل عینیت یافته است. بنی اسرائیل ناگزیر در تلاش برای ورود به آنجا و احیاناً در جست‌وجوی چراگاه برای حیوانات خود در بیابان‌ها حرکت کرده، با قبایل گوناگون درگیر می‌شده‌اند. زندگی آنان نه شهرنشینی بوده است و نه مانند قبایل بدوی و بیابان نشین. گزارش‌های کتاب مقدس (سفر اعداد) نیز مؤید این دیدگاه است.

در مقابل دیدگاه غالب مفسران مبنی بر تکوینی بودن تحریم، ابوعلی جبایی معتقد است که تحریم ورود به سرزمین مقدس و سرگردانی در وادی تیه تشریحی بود^{۴۹} و بنی اسرائیل به سبب نهی الهی از ورود به آن سرزمین خودداری کردند. این دیدگاه، در تضاد آشکار با آیات قرآن است. قرآن کریم از فرمان خداوند به بنی اسرائیل مبنی بر ورود به سرزمین مقدس حکایت دارد. و نهی الهی و تحریم تشریحی ورود به سرزمین یادشده با فرمان یادشده سازگار نیست.

رخدادهای وادی تیه

قرآن کریم پاره‌ای از حوادث و معجزات رخ داده برای بنی‌اسرائیل در مسیر حرکت به سرزمین موعود را گزارش می‌کند. هرچند بیان و دلالت صریحی در آیات قرآن، مبنی بر وقوع آنها در دوران تیه وجود ندارد (بقره: ۵۷ و ۶۰؛ اعراف: ۱۶۰؛ طه: ۸۰)؛ اما بر اساس گزارش تورات، سیاق و ظاهر آیات مربوط، تصریح شمار چشمگیری از مفسران نامدار شیعه و سنی و پاره‌ای قراین دیگر، حوادث و معجزات یادشده در دوران سرگردانی بنی‌اسرائیل در وادی تیه روی داده است؛ به ویژه آنکه مدت زمانی که بنی‌اسرائیل پس از خروج و پیش از دچار آمدن به تیه در بیابان سپری کردند، در مقایسه با دوران ۴۰ ساله تیه بسیار اندک و ناچیز بوده است. حوادث و معجزات یادشده از این قبیل‌اند:

۱- سایه‌بانی ابر: خداوند سایه افکندن ابر بر سر بنی‌اسرائیل در بیابان را به عنوان یکی از نعمت‌های خویش، به آنان یادآوری می‌کند: «و ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ...» (بقره: ۵۷) گروهی از مفسران شیعه^{۵۰} و سنی،^{۵۱} به تبع مفسران صحابی و نخستینی چون ابن‌عباس، وهب‌بن منبه، ربیع و ابن‌اسحاق، نعمت یادشده را مربوط به دوران سرگردانی در وادی تیه دانسته‌اند.^{۵۲} هنگامی که بنی‌اسرائیل نادم از نافرمانی خویش، از گرمای خورشید بیابان نزد حضرت موسی ﷺ شکوه کردند، خداوند به وسیله ابر بر آنان سایه افکند.^{۵۳}

۲. نزول من و سلوی: نزول «من» دانه‌هایی به اندازه تخم گشنیز، سفید مایل به زرد با طعم نان روغنی^{۵۴} و «سلوی» - بلدرچین - از دیگر نعمت‌های خدا بر بنی‌اسرائیل در بیابان است: «... و أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» (بقره: ۵۷) بیشتر مفسران شیعه^{۵۵} و سنی^{۵۶} بر نزول من و سلوی در دوران تیه تصریح کرده‌اند. بنی‌اسرائیل در بیابان، فقط با من و سلوی تغذیه می‌کردند؛ از این رو، با یادآوری غذاهای متنوعی چون سبزی، خیار، سیر، عدس و پیاز که در مصر به خوردن آن عادت کرده بودند، از یکنواختی غذا شکوه کرده، خواستار تنوع غذایی شدند^{۵۷}: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَى لَنْ نُصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُبْتِ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَالِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا...» (بقره: ۶۱). بر اساس گزارش تورات، نزول من و سلوی، برای نخستین بار ۴۵ روز پس از خروج، در صحرای سین واقع در میان «ایلیم» و کوه سینا و پیش از گرفتاری در تیه بوده است.^{۵۸} هنگامی که بنی‌اسرائیل با یادکرد دیگرهای پرگوشت در مصر و سخن گفتن از مرگ خویش در بیابان بر اثر گرسنگی به موسی ﷺ اعتراض کردند، خداوند انبوهی از من و سلوی را فرستاد و قوم سرگردان تا پایان چهل سال از نان «من» که همه روزه به جز روزهای شنبه نازل می‌شد، تغذیه می‌کرد.^{۵۹}

۳. جاری شدن چشمه از سنگ: هنگامی که بنی اسرائیل از فقدان آب و تشنگی در بیابان شیکوه کردند،^{۶۰} حضرت موسی علیه السلام در پی درخواست آب از خدا و با هدایت وحی الهی، عصای خود را بر سنگ کوبید و دوازده چشمه به تعداد دوازده قبیله بنی اسرائیل جاری شد که همگی از آن سیراب شدند (اعراف: ۱۶۰؛ بقره: ۶۰). به اعتقاد اغلب مفسران نخستینی مانند ابن عباس، سدی، مجاهد، قتاده، ابن زید^{۶۱} و مفسران متأخر شیعه^{۶۲} و سنی،^{۶۳} جاری شدن چشمه‌های یادشده نیز در زمان سرگردانی آنان بوده است. البته چنانکه برخی نیز گفته اند، در آیه دلیلی بر دیدگاه یادشده وجود ندارد.^{۶۴} اما قراین گفته شده، نشان می‌دهد که در وادی تیه بوده است.

افزون بر نعمت‌ها و معجزات یادشده، امور شگفت‌آور و افسانه‌گونی هم از دوران تیه گزارش شده است؛ مانند پوسیده و چرکین نشدن لباس‌های بنی اسرائیل،^{۶۵} بلند نشدن مو و ناخن آنان، تولد کودکان همراه با نوعی پوشش به عنوان لباس و بزرگ شدن آن به موازات رشد آنها^{۶۶} و هدایت قوم به وسیله ستونی از نور در شب‌ها از این قبیله است.^{۶۷} هرچند قرآن، در نفی و اثبات گزارش‌های یادشده سخنی نگفته و تاریخ زندگی بنی اسرائیل، به ویژه دوران حضور حضرت موسی علیه السلام هم آکنده از رخدادهای شگفت‌انگیز و خارق‌عادت است؛ اما این گزارش‌ها، فاقد مستندات است. به نظر می‌رسد، چنین گزارش‌هایی بیشتر بازتابی از تفسیر خارق‌العاده یادشده از تحریم تکوینی - سرگردانی و حرکت در مسیری معین و محدود - و پرسش‌های برخاسته از آن است؛ یعنی این پرسش که بنی اسرائیل در طول چهل سال و بدون ارتباط با هیچ قوم و قبیله و شهر و آبادی‌ای چگونه لباس‌های مورد نیاز خود را تأمین می‌کردند؟ شب‌ها در بیابان تاریک چگونه حرکت می‌کردند؟ چگونه ناخن و موهای خود را اصلاح می‌کردند؟ مفسران و نویسندگان در پاسخ به این پرسش‌ها، به بیان مطالب یادشده پرداخته‌اند. البته نقش قصاصان و داستان سرایان را نیز نباید در پیدایش این افسانه‌ها از نظر دور داشت. در حالی که، بنی اسرائیل در دوران تیه، به یک معنا از زندگی عادی نیز برخوردار بودند، با ساکنان سرزمین‌های همجوار ارتباط داشتند و مانند قبایل چادر نشین و کوچنده، بسیاری از نیازمندی‌های زندگی را خودشان تولید می‌کردند. بنابراین، روایت‌های افسانه‌گون یاد شده، به سبب فقدان مستندات و نیز ناسازگاری با گزارش‌های قابل دفاع تاریخ یهود پذیرفتنی نیست.

۴. مرگ موسی و هارون علیهم‌السلام: اغلب ^{۶۸} مفسران شیعه ^{۶۹} و سنی، ^{۷۰} هماهنگ با گزارش تورات ^{۷۱} و با پذیرش دیدگاه ابن عباس، ^{۷۲} معتقد به حضور و مرگ موسی و هارون علیهم‌السلام در دوران تیه هستند. این دیدگاه، از سوی پاره‌ای از احادیث منسوب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز تأیید شده است. ^{۷۳} در مقابل، برخی چون زجاج با استناد به نفرین موسی علیه‌السلام (مائده: ۲۶) و تفسیر آن، به درخواست جدایی از بنی اسرائیل و نیز با اشاره به عذاب بودن دوران تیه و معذب نشدن پیامبران، اعتقاد به حضور آن دو در تیه را برنتابیده‌اند. ^{۷۴} در پاسخ به این استدلال، گفته شده است که تحمل دوران تیه همانند خنک شدن آتش بر ابراهیم علیه‌السلام برای موسی و هارون علیهم‌السلام آسان و موجب ارتقای درجات معنوی آنان شد. ^{۷۵} همچنین شماری از مفسران با پذیرش دیدگاه قتاده، بر این باورند که افزون بر موسی و هارون علیهم‌السلام، همه افراد بیرون آمده از مصر نیز در دوران تیه مردند و تنها یوشع و کالب زنده مانده، همراه نسل جدید بنی اسرائیل به سرزمین مقدس قدم نهادند. ^{۷۶} این دیدگاه، همان گزارش تورات است که برخی با اعتقاد به مرگ بیشتر و نه همه افراد یاد شده، آن را نپذیرفته‌اند. ^{۷۷} قرآن هرچند در این باره گزارشی ندارد، اما بر اساس ظاهر برخی آیات (بقره: ۵۸-۵۹؛ اعراف: ۱۶۱)، در کنار تفسیر مفسران از آن، می‌توان گفت که همه افراد آمده از مصر در تیه نمردند، گروهی از آنان وارد سرزمین مقدس شدند. البته هویت تاریخی و دینی یکسانی که قرآن برای همه نسل‌های بنی اسرائیل ترسیم کرده و با مخاطب قرار دادن یهودیان عصر نزول، به نعمت و لغزش‌ها و انحرافات نسل‌های پیشین آنان اشاره می‌کند، مطلب یادشده را به چالش می‌کشد. (ر.ک: بقره: ۶۵-۴۰)

نتیجه‌گیری

بنی اسرائیل سال‌ها در آرزوی بازگشت به سرزمین کنعان بودند. هنگامی که آنان در پی خروج از مصر از نیرومندی و جنگاوری ساکنان کنعان آگاه شدند، فرمان الاهی را زیر پا نهاده و از موسی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواستند تا با خدای خویش به جنگ آن قوم روند. بنی اسرائیل به سبب این نافرمانی به مدت چهل سال از ورود به سرزمین موعود محروم شدند. آنان در این مدت، همواره به صورت قومی سرگردان در بیابان‌های اطراف زیسته و در تلاش برای ورود به آن سرزمین با اقوام گوناگون درگیر بودند. بسیاری از حوادث مهم، مانند نزول من و سلوی، در آمدن دوازده چشمه از سنگ و نزول بسیاری از احکام الاهی در این دوران اتفاق افتاد. سرانجام، نسل جدید بنی اسرائیل پس از چهل سال وارد سرزمین مقدس شدند.

پی نوشت ها

۱. خلیل بن احمد الفراهیدی، ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۱۲؛ جمال الدین ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۸۲؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۶، ص ۲۲۲۹، «تیه».
۲. اسماعیل بن حماد جوهری، همان، ج ۶، ص ۲۲۲۹؛ ابوهلال عسکری، معجم الفروق اللغویه، ص ۴۴۵؛ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۰۶، «تیه».
۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۸۳؛ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۱ - ۲، ص ۷۹، «تیه».
۴. ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۹۲، «تاه».
۵. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۷۶؛ ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۴۴۵؛ مجدالدین فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۲، ص ۱۶۳۴، «تیه».
۶. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۶۳۵۷، «تیه».
۷. محمد المناوی، التوفیق علی مهمات التعاریف، ج ۱، ص ۲۱۸؛ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۱ - ۲، ص ۷۹، «تیه».
۸. ر.ک: احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۳۶۱؛ اسماعیل بن حماد جوهری، همان، ج ۶، ص ۲۲۲۹؛ علی اکبر دهخدا، همان، ج ۵، ص ۶۳۵۷، «تیه».
۹. علی اکبر دهخدا، همان.
۱۰. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۴۲۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان ج ۱، ص ۲۲۵؛ ابوعبدالله یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۹.
۱۱. سیدجعفر حمیدی، تاریخ اورشلیم، ص ۳۲۴؛ مصاحب، دایرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۷۱۱، «تیه».
۱۲. ابوعبدالله یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۶۹، «تیه».
۱۳. سیدجعفر حمیدی، همان، ص ۳۲۴؛ مصاحب، همان، ج ۱، ص ۷۱۱، «تیه».
۱۴. همان، ابوعبدالله یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۶۹، «تیه».
۱۵. ابوعبدالله یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۶۹؛ احمد بن علی المقریزی، المواعظ والاعتبار، ج ۱، ص ۳۹۴-۳۹۳، «تیه».
۱۶. بطرس عبدالملک و ...، قاموس الكتاب المقدس، ص ۶۰۹.
۱۷. التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس، ص ۲۷۰ - ۲۷۱؛ الكتاب المقدس، خروج ۱۵: ۲۲ اعداد ۱۰: ۱۱ - ۱۲: ۱۰: ۳۳؛ اعداد ۲۰: ۱
۱۸. الكتاب المقدس، اعداد ۱۳: ۱ - ۳۳، ۱۴: ۱ - ۴۵؛ تثنیه ۱ - ۳.
۱۹. التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس، ص ۲۷۰ - ۲۷۱؛ اعداد ۲۰: ۱۴ - ۲۱: ۲۱؛ ۱: ۳۵.
۲۰. الكتاب المقدس، اعداد ۲۲: ۱ - ۲۰، ۲۳: ۱ - ۱۲، ۲۵: ۱ - ۹.
۲۱. اعداد ۵: ۵ - ۳۱، ۶: ۱ - ۲۱، ۱۵: ۱ - ۳۱، ۲۸ - ۳۱، ۲۹: ۱ - ۴۰.
۲۲. خروج ۱۹: ۱ - ۲۳، ۲۰: ۲۶.
۲۳. اعداد ۱۱: ۴ - ۳۲.
۲۴. اعداد ۲۰: ۲ - ۱۲؛ قضاة ۱۵: ۱۹.

٢٥. اعداد ٩: ١٥ - ٢٣.
٢٦. اعداد ١١: ١ - ٢ و ٣٣ - ٣٥ و ٢٥ - ١: ٩.
٢٧. اعداد ٢٠: ٢.
٢٨. الكتاب المقدس، اعداد ٢٠: ٢٢ - ٢٩؛ تنبيه ٣٤: ٤ - ٦.
٢٩. محمد بن جرير الطبري، تاريخ الامم والملوك، ج ١، ص ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٥٧؛ اسماعيل ابن كثير دمشقي، البداية والنهاية، ج ١، ص ٢٤٩، ٢٨٠؛ مطهر بن طاهر مقدسي، البدء والتاريخ، ج ٣، ص ٨٧.
٣٠. فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ١، ص ٢٢٤ - ٢٢٦، ٢٣٢ و ج ٣، ص ٣٠٩؛ محمد بن الحسن الطوسي، التبيان، ج ١، ص ٢٥٩، ٢٦٩ و ج ٣، ص ٤٩٠؛ ملامحسن فيض كاشاني، الصافي، ج ١، ص ١٣٥ و ج ٢، ص ٢٦، ٢٤٥.
٣١. محمد بن جرير الطبري، جامع البيان، مج ١، ج ١، ص ٤٣٨ - ٤٤٢؛ ج ٦، ص ٢٤٩؛ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ج ١، ص ٤٠٦؛ الهمداني، تفسير القرآن العظيم، ج ١، ص ٩٨ - ١٠١.
٣٢. محمد بن جرير الطبري، تاريخ الامم والملوك، ج ١، ص ٢٣١، ٢٥٤؛ اسماعيل ابن كثير دمشقي، همان، ج ١، ص ٢٤٥، ٢٨٠؛ مطهر بن طاهر مقدسي، همان، ج ٣، ص ٨٧.
٣٣. سيد محمد حسين طباطبائي، الميزان، ج ٥، ص ٢٩٣.
٣٤. محمد بن جرير الطبري، جامع البيان، مج ١، ج ١، ص ٤٢٤؛ محمد بن حسن طوسي، همان، ج ١، ص ٢٥٩؛ فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ١، ص ٢٢٥.
٣٥. محمود بن عمر زمخشري، الكشاف، ج ١، ص ٦٢٣؛ محمد بن عمر فخر رازي، التفسير الكبير، ج ١١، ص ٢٠١.
٣٦. ر.ك: محمد بن الحسن الطوسي، همان، ج ٣، ص ٤٩١.
٣٧. ر.ك: جمال الدين الجوزي، زاد المسير في علم التفسير، ج ٢، ص ٣٢٩ - ٣٣٠؛ محمد بن احمد قرطبي، همان، ج ٧، ص ٣١٩؛ محمد بن عمر فخر رازي، همان، ج ١٥، ص ٥٤.
٣٨. عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون، تاريخ ابن خلدون، ج ١، ص ١٤١ - ١٤٢.
٣٩. محمد بن حسن طوسي، همان، ج ٣، ص ٤٩٠؛ محمد بن احمد قرطبي، همان، ج ٦، ص ١٢٩؛ محمد بن عمر فخر رازي، همان، ج ١١، ص ٢٠١ - ٢٠٢.
٤٠. محمد بن حسن طوسي، همان، ج ٣، ص ٤٩٠؛ فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ٣، ص ٣١٣؛ سيد محمد حسين طباطبائي، الميزان، ج ٥، ص ٢٩٤ - ٢٩٥.
٤١. محمد بن عمر فخر رازي، همان، ج ١١، ص ٢٠١ - ٢٠٢؛ محمد بن احمد قرطبي، همان، ج ٦، ص ١٢٩.
٤٢. فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ٣، ص ٣١٤؛ جمال الدين الجوزي، همان، ج ٢، ص ٣٢٩ - ٣٣٠؛ ملامحسن فيض كاشاني، الصافي، ج ٢، ص ٢٥ - ٢٦.
٤٣. محمد بن جرير الطبري، جامع البيان، ج ١، ص ٤٢٤؛ فضل بن حسن طبرسي، جوامع الجامع، ج ١، ص ٤٩١؛ حسين بن مسعود بغوي، معالم التنزيل في التفسير والتأويل، ج ٢، ص ٢٠.
٤٤. ر.ك: محمد بن حسن طوسي، همان، ج ٣، ص ٤٩٠؛ فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ٣، ص ٣١٤.
٤٥. فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج ٣، ص ٣١٤ - ٣١٣؛ محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ج ١، ص ٤٢٤؛ حسين بن مسعود بغوي، همان، ج ٢، ص ٢٠.

۴۶. ابو حمزه ثمالی، تفسیر ایمی حمزه ثمالی، ص ۱۵۵
۴۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۴؛ محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۱۱، ص ۱۵۹.
۴۸. سید محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۵، ص ۲۹۶.
۴۹. ر.ک: محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۳، ص ۴۹۰؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۳؛ محمد بن احمد قرطبی، همان، ج ۶، ص ۱۲۹.
۵۰. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۱، ص ۲۶۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵؛ سید محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۱۸، ص ۱۴۱.
۵۱. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۶، جزء ۹، ص ۱۲۰؛ محمود بن عمر زرخشری، همان، ج ۱، ص ۶۲۲-۶۲۳؛ بیضاوی شیرازی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۲، ص ۳۱۴.
۵۲. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۴ - ۴۲۵؛ محمد بن الحسن الطوسی، همان، ج ۱، ص ۲۶۹.
۵۳. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵؛ محمود بن عمر زرخشری، همان، ج ۱، ص ۶۲۲ - ۶۲۳، ج ۲، ص ۱۶۰.
۵۴. کتاب المقدس، اعداد ۱۱: ۷ - ۸؛ قاموس کتاب المقدس، ص ۸۳۹ «مَنْ».
۵۵. محمد بن الحسن الطوسی، همان، ج ۱، ص ۲۵۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۵؛ سید محمد حسین طباطبائی، میزان، ج ۶، ص ۲۲۶.
۵۶. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۴؛ محمد العمادی ابوالسعود، ارشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۳؛ محمود بن عمر زرخشری، همان، ج ۱، ص ۶۲۲ - ۶۲۳.
۵۷. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۴۱ - ۴۴۲؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹؛ محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۳، ص ۹۸ - ۹۹ قس: کتاب المقدس، اعداد ۱۱: ۴ - ۱۵، ص ۳۱ - ۳۳.
۵۸. کتاب المقدس، خروج ۱۶: ۱ - ۱۶.
۵۹. کتاب المقدس، خروج ۱۶: ۱ - ۲۵.
۶۰. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۳۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۲؛ محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۳، ص ۹۴.
۶۱. ر.ک: محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۳۸ - ۴۳۹؛ محمد بن الحسن الطوسی، همان، ج ۱، ص ۲۶۹.
۶۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ملا محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۱، ص ۱۳۶ و ج ۲، ص ۲۴۵؛ سید محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۶، ص ۲۲۶.
۶۳. محمد بن جریر الطبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۳۸ - ۴۳۹؛ محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۳، ص ۹۴؛ حسین بن مسعود بغوی، همان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶۴. محمد بن عمر فخر رازی، همان، ج ۳، ص ۹۵؛ محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۱، ص ۱۴۴؛ محمد العمادی ابوالسعود، همان، ج ۱، ص ۱۰۵.
۶۵. رک: محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۴ - ۴۲۵؛ محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۱، ص ۲۶۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۹.
۶۶. رک: همان، ج ۱، ص ۴۹۱؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۴ - ۴۲۵؛ محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۱، ص ۶۲۳.
۶۷. محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۱، ج ۱، ص ۴۲۵؛ محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۱، ص ۶۲۳؛ محمد العمادی ابوالسعود، همان، ج ۳، ص ۲۵.
۶۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۳ و ج ۱، ص ۲۲۵؛ اسماعیل ابن کثیر دمشقی، همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ بیضاوی، همان، ج ۲، ص ۳۱۴.
۶۹. محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۳، ص ۴۹۰؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ ملا محسن فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۰.
۷۰. محمد بن احمد قرطبی، همان، ج ۱۴، ص ۲۵۱؛ عبدالرحمن ثعالبی، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۷؛ فخر رازی، همان، ج ۳، ص ۸۸.
۷۱. الكتاب المقدس، تنبیه ۳۴: ۴ - ۶.
۷۲. رک: محمد بن جریر طبری، جامع البیان، مج ۴، ج ۶، ص ۲۴۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۰۹؛ جمال الدین الجوزی، همان، ج ۲، ص ۲۶۲.
۷۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۱۱ - ۱۱۲؛ ابن جمعه العروسی الحویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۰۸؛ ملا محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۲، ص ۲۶ - ۲۷.
۷۴. رک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۳؛ فخر رازی، همان، ج ۱۱، ص ۲۰۱؛ محمد العمادی ابوالسعود، همان، ج ۳، ص ۲۶.
۷۵. حسین بن مسعود بغوی، همان، ج ۲، ص ۲۶؛ بیضاوی شیرازی، همان، ج ۲، ص ۳۱۴.
۷۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۹؛ فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۰۱؛ بیضاوی، همان، ج ۲، ص ۳۱۴.
۷۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۹.

منابع

- ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *البدایة والنهایة*، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
- ابن منظور، جمال‌الدین، *لسان العرب*، به کوشش علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- انیس، ابراهیم و دیگران، *المعجم الوسیط*، چ ششم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- بطرس عبدالملک و ...، *قاموس الكتاب المقدس*، چ نهم، قاهره، دارالتقافة، ۱۹۹۴ ق.
- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ ق.
- التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس*، قاهره، شرکه ماستر میدیا، بی تا.
- ثعالی، عبدالرحمن، *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، به کوشش ابومحمد الغماری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
- ثمالی، ابو حمزه، *تفسیر ابو حمزه ثمالی*، گردآوری عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، قم، الهادی، ۱۴۲۰ ق.
- الجوزی، جمال‌الدین، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، چ چهارم، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، به کوشش عبدالغفور العطار، چ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حموی، ابو عبدالله یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
- حمیدی، سیدجعفر، *تاریخ اورشلیم*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- الدمشقی اسماعیل بن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش یوسف مرعشلی، سوم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ ق.
- دهخدا، علی‌اکبر و دیگران، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، چ دوم، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ ق.
- شبر، سیدعبدالله، *تفسیر القرآن الکریم*، به کوشش حامد حفنی داود، چ چهارم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.
- بیضاوی شیرازی، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، بیروت، اعلمی، افسست، قم، اسلامی، ۱۳۹۳ ق.
- طبرسی، فضل‌بن‌الحسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة، افسست، تهران، ناصرخسرو، ۱۴۰۶ ق.
- ____، *تفسیر جوامع‌الجامع*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
- ____، *جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن*، به کوشش صدقی، جمیل‌العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

طوسی، محمدبن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، به کوشش احمد حبیب‌العاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

عروسی حویزی، ابن‌جمعه *تفسیر نورالتقلین*، به کوشش رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش. عسکری، ابوهلال، *معجم الفروق اللغویه*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.

عمادی ابوالسعود، محمد، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، چ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، به کوشش محمد حسن بکایی، قم، اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد، *القاموس المحیط*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.

فیض کاشانی ملامحسن، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، بی‌جا، به کوشش مرکز دراسات اسلامیة، ۱۴۱۸ ق.

—، *تفسیر الصافی*، به کوشش حسین اعلمی، چ دوم، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۲ ق.

فیومی، احمدبن محمد، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۵ ق.

قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، چ پنجم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.

قمی، علی‌بن‌ابراهیم، *تفسیر القمی*، به کوشش موسوی جزایری، لبنان، دارالسرور، ۱۴۱۱ ق.

کتاب المقدس، بیروت، دارالکتاب المقدس فی شرق الاوسط، ۱۹۹۳ م.

کلینی، محمدبن یعقوب، *کسافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ش.

مصاحب، دائرةالمعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، بی‌جا، امیرکبیر، بی‌تا.

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.

مطهرین طاهر مقدسی، *البدء والتاریخ*، بیروت، دارصادر، افسست، ۱۹۰۳ م.

مقریزی، احمد بن علی، *المواعظ والاعتبار*، به کوشش خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.

مناری، محمد المناوی، *التوقیف علی مهمات التعاریف*، به کوشش محمد رضوان الدایة، بیروت، دارالفکر المعاصر،

۱۴۱۰ق.